



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



حامد نوید

۲۰۲۰/۰۴/۲۳

بودا کیست و از کجاست

به پاسخ سوال جناب توابع آریسپ که پرسیده اند: بودا واقعا از کدام سرزمین بود چون در این مورد ادعا هایی است. حتا بعضی از محققین هندی سرزمین سیستان را محل تولد بودای تاریخی میدانند. همچنان نظر شما راجع به موجودیت چندین بودا چه است؟ قرار بعضی روایات تاریخی بودا قرن ها قبل از بقدرت رسیدن کوشانیان زندگی میکرده؟ دوست محترم من به پاسخ سوال شما توجه تان را به این شرح خواهانم. امید است موضوع را تا اندازه ای روشنی بخشد.

سیدهارتا گوتاما Siddhartha Gautama فرزند سدهودانه Suddhodana پادشاه متمول لمبینی (Lumbini) یا نیپال کنونی از مردمان شاکیا بود که این شاه زنی بنام مها مایا ویا به تلفظ دیگری Mayadevi مایا دیوی داشت و در قصر شکوهمندی در جنوب سرزمین نیپال می زیست. در مورد سال تولد سیدهارتا اختلاف نظرهای میان تاریخ نگاران وجود دارد اما به صورت عمومی سال ولادتش را از سال ۵۶۳ تا ۴۸۳ ق.م تخمین کرده اند. به اساس اسطوره های آئین بودایی مایا قبل از حمل برداشتن خوابی دید که فیل سپیدی با نیش های بزرگ از پهلو ی راست وارد بدنش میگردد که نظر به عقاید آنزمان این خواب بشارت آبتن شدن او را با سیدهارتا میداد. به اساس یادداشت های راهبان بودایی ملکه مایادیوی بنا بر عنعنات و رسوم نیپالی باید طفلش را درخانه پدر به دنیا می آورد، ازین رو سفری بسوی خانواده اش نمود، اما پس از هفت شبانه روز سفر در راه احساس درد کرد و نوزاد در زیر درختی بدنیا آمد که این درخت درسال های بعد به یکی از جایگاه های مقدس آئین بودایی مبدل گشت. پس از ولادت طفل، مایا از جهان رفت و نوزاد بی مادری را از خود بجا گذاشت. طفل تازه به جهان آمده توسط خواهر او ماها پاچیتی Pajpati Maha پرورش یافت و سیدهارتا نامیده شد. سدهودانه شاه نیپال که ازین حادثه سخت رنجیده خاطر گشته بود امر نمود تا سیدهارتا نباید در زندگانی با هیچگونه رنجی مواجه گردد و یا هیچ صحنه تأثر آوری را بچشم ببیند. ازین رو بودا درسه قصر مجلل مزین با باغهای آراسته و پر از ملازمان شاداب، زیبا رو، صحتمند و تندرست بزرگ شد. شاه همچنان تجویز نمود که نباید هیچگونه عقاید مذهبی به وی تدریس گردد تا در رهبری کشور در زیر تأثیر هیچ مذهبی واقع نگردد و شهریاری شود که آروی عقل و منطق خویش مملکت را رهبری کند. ازین رو در افکار بودا بازتاب عقاید دینی معمول آنزمان دیده نمیشود.

سید هارتا زنی زیبا روی از خاندان سلطنتی بنام یاشودهارا، و پسری بنام راوول داشت که همه در نهایت ناز و نعمت در کاخهای مجلل میزیستند، اما سیدهارتا همواره درین فکر بود که دنیای برون دیوارهای قصر چگونه جهانیست و در آنسوی دیوارها چه میگردد؟ تا اینکه روزی تصمیم گرفت تا پا به برون کاخ بگذارد. همان بود که از کاخ برون رفت و با چشمان گشوده از حیرت متوجه گشت که همه مانند وی در کمال رفاه آرامش زندگی ندارند، بلکه به هزاران انسان در نهایت فقر و تنگدستی در ویرانه ها و لجن زار های شهر زندگی میکنند. دیدن کودکان پا برهنه، زنان رنجور و پیر مردانی معلول و لاغر اندام او را سخت تکان داد. زنی را دید که با کودکانش بر پیکر شوهر بی جاننش گریه و زاری دارد. پرسید مگر این مرد را چه پیش آمده که زن و فرزنداناش برحال او چنین میگیرند. پاسخ دادند که او مرده است و آخر زندگی و نهایت آن همین است. این سخن سیدهارتا را سخت تکان داد و از خواب غفلت بیدار ساخت. مرحله بیداری در کیش بودایی نکته نهایت مهمی است، چه این مرحله دوره بیداری سیدهارتا به گونه خاص برای شخص وی و به صورت عام بیداری وجدان برای تمام پیروان این کیش میباشد. پس از این حادثه که دوره بیداری سیدهارتا شناخته میشود، شهزاده جوان ترک قصر و کاشانه کرد و مانند درویشی پا برهنه راهی کوچه ها و بازار ها شد. به روستاهای دورافتاده سفر نمود که آغاز کمک به دیگران در فلسفه بودیزیم پنداشته میشود. بودا درین وقت ۲۹ سال عمر داشت.

در معبد هده جلال آباد مجسمه «رلیف» یا نیمه برجسته ای بود که صحنه برون شدن شهزاده سیدهارتا را از قصر ملوکانه در نهایت توانمندی هنری، تناسب موزون، زیبایی ترکیب و محتوی پر قدرت تمثیل میدارد. این مجسمه در موزیم گیومه پاریس در معرض نمایش دائمی قرار دارد و از جمله شهکار های مسلم هنری جهان کهن بشمار میرود.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکی په خیر و لولی

این اثر هنری نهایت زیبا که در حدود ۱۸۰۰ سال پیش توسط هنرمندی ماهر در یکی از رواق های معبد هده جلال آباد ایجاد گردیده لحظه مهمی از زندگانی بودا را نشان میدهد، لحظه ای که قطع بارزی در زندگانی او یعنی برون شدن از قصر شاهی و پشت پا زدن به عالم مادی است. هنرمندی که با قدرت تخیل ژرف قصر شاهی را مانند قفسی با رواق تنگی تمثیل داشته و بدن نیمه برهنه بودا را در لباس درویشی در حالت سه بعدی و آزاد در بیرون رواق محصور زندگی دنیایی ایجاد کرده، خواسته تا حالت و ارستگی آدمی را با جهان تنگ و چهارچوب شده دنیای مادی و امیال پایان نا پذیر انسانی به مقایسه بگیرد. این پدیده هنری با سیمبولیزم پر قدرت آن ترکیبی ساده ولی محتوی غنی ای دارد که این تک بیت ابوالمعانی ببید را بخاطر تداعی میدارد:

ترک آرزو کردم رنج هستی آسان شد سوخت پر فشانای ها این قفس گلستان شد

درین اثر بر علاوه بودا که با بدن نیمه برهنه و لباس درویشی در برون رواق تنگ قصر به حالت سه بعدی ایجاد گردیده دو نفر دیگر نیز دیده میشوند. این دو فرد یکی همسر سیدهارتا است که در حالت خواب بر بالین تکیه داده و دیگری ندیم و یاور اوست که تازه از خواب بیدار شده و تاج شاهی سیدارتا را در دست دارد، ولی هنوز در حال تردد است که آیا در قصر بماند و یا به دنبال بودا بسوی عالم درویشی راهی شود.

این پدیده ناب هنری ستوپه هده که اکثر هنر شناسان آنرا گویا ترین نماد شرح زندگانی بودا میدانند، در حقیقت سه مرحله حیات شهزاده سیدهارتا، یعنی دوره غفلت، لحظه بیداری و دوران درویشی او را بیان میدارد. (لطفاً به تصویر مجسمه نیم برجسته «برون شدن بودا از قصر شاهی» که در معبد هده جلال آباد، در حوالی قرن دوم میلادی ایجاد شده و اکنون در موزیم گیومه پاریس محفوظ است توجه کنید.)



و اما در بخش دوم سوال تان باید به عرض برسانم که مرگ بودا بنابر اسناد دست اول تاریخی مانند اسناد کهن بودایی در زبان سانسکریت (مها پارینی با نا سوتا) Mahāparinibbāṇa Sutta و ترجمه آن در اسناد بودایی چین و تیببت در شهر کوشی نگر Kushinagar واقع در ایالت اوترا پردیش Uttar Pradesh هند در حوالی سال ۴۸۳ ق.م اتفاق افتاده است. ازینرو ادعای نویسنده ایرانی میلاد صفی زاده در کتاب "زرتشت و حقیقت ظهور بودا از ایران" به حواله راجانیت پال باستان شناس هندی و هاروی کرفت که با ارائه یک مفکوره نو در پی شهرت اند، تا جای که اسناد معتبر تاریخی گواهی میدهد بسیار مقرون به حقیقت نیست زیرا بر علاوه اینکه پیکره های بودا و معابد بودایی در ایران بطور عام دیده نمیشود، این ادعا بر قرینه بعید استواری دارد و مبتنی بر روا یتی است که نویسنده چنین شرح میدهد: " بودا همان گنوماتای مغ یا برد یا است که بدست داریوش اول هخامنشی به قتل رسید. "

همچنان به تائید از نظر شما باید گفت که سیدهارتا گوتاما حد اقل پنج قرن قبل از ظهر و دولت کوشانی به تبلیغ عقایدش آغاز کرد. لیکن افکار او قبل از به اقتدار رسیدن کوشانی ها از طریق کشمیر توسط دو برادر تاجر باختری به نامهای ته پسو و بلهیکا به محدوده افغانستان امروزی رسیده بود. آنها از جمله نخستین حواریون بودا بودند که از وی دعا گرفتند و حلف وفاداری یاد کردند. این واقعه هشت هفته بعد از به روشنایی رسیدن بودا شاکیا مونی رخ داده است.

سوتراها (جملات مؤجز دین بودایی) همچنان اضافه میکند که بلهیکا یکی از راهبان مهم دین بودایی شد و در هنگام بازگشت به بلخ معبدی را برای بزرگداشت بودا در آنجا بنا نمود. به گمان اکثر تاریخ نگاران این متن در حوالی سال ۵۳۷ پیش از میلاد نگاشته شده و از جمله قدیمیترین اسناد بودایی بشمار میرود که بنام سروستی ودا Sarvastivada یاد میشود؛ و سپس هنگامیکه آشوکا پادشاه مقتدر خانواده مورایی هند در سال ۲۶۳ ق.م پس از جنگ کلنگا Kalinga که یکصدو پنجا هزار کشته را بجا گذاشت از نهایت تأثر به دین بودایی گرائید و در ترویج آن کوشا شد. قبل از آن نیز مبلغین بودایی در هند حضور داشتند ولی مورد توجه صاحبان قدرت قرار نداشتند. در حوالی سال ۱۸۵ ق.م ساحه اقتدار آشوکا تا به قندهار پخش گردید و در همین آوان بود که آئین بودایی به گنده هارا و قندهار معرفی گشت.

در مورد مراحل تحولات فکری این آئین باید اضافه کنم که پس از مرگ بودا حواریون وی افکار او را در سه فصل جمع آوری کردند و آنرا تری پاتیکا **Tripitaka** یعنی سه سبد گل نامیدند. سبد اولی رهنمای بود برای راهبان بودایی و قواعد و دستورهای برای مکارم اخلاقی ایشان، سبد دومی جواب های بودا در مورد سواهای طرح شده مردم از وی بود که فلسفه و طرز تفکر او را در برابر پدیده حیات بازگو میکرد؛ و سبد سومی که بنام سوترا پتیکا یاد میگردد، عبادات، سروده ها و طرز العمل های مذهبی ای را شرح میداد که تمرین های یوگا نیز جزء آنست. این افکار در نخستین گردهم آیی پس از مرگ بودا توسط حواریون نزدیک وی در حضور پنجصد نفر از پیروانش ابلاغ گردید که مورد پذیرش تمام اشتراک کنندگان قرارگرفت، اما در گردهم آیی دوم در سال ۳۴۹ ق.م اختلافات شدیدی میان راهبان بودا بی پدید آمد. راهبان سال خورده که مایل به آوردن هیچگونه تبدیلی از قوانین سنتی پالی و روش عنعنوی تراویدا (یعنی روشهای سنتی بزرگان) نبودند با راهبان نسل جوان که با روشنگری بیشتری گفته های بودا را تعبیر میکردند، اختلاف نظر پیدا نمودند. مو سپیدان و بزرگان به این عقیده بودند که افکار بودا در راه رسیدن به مقام نیروانا از طریق تزکیه نفس یک راه شخصی و انفرادی بوده و هر شخص مسئولیت تزکیه نفس خود را با پیروی مطلق و بدون کم و کاست از تعالیم بودا دارد، در حالیکه نسل جوان به این عقیده بودند که هر راهب وظیفه دارد تا وضع جامعه را تغییر داده و در راه بهبود و ارتقای جامعه یعنی پایان بخشیدن به آلام و دردهای مردم کوشا باشد. بدیهی است که این افکار در جامعه طبقاتی آنوقت هند که برهمنان بر دوام آن تأکید داشتند، از نگاه راهبان محافظه کار بسیار انقلابی مینمود، ازینرو مخالفت شدیدی را در برابر راهبان نسل جوان ابراز داشتند. همان بود که راهبان جوان استخوان جمجمه بودا را برداشتند و باخود به جلال آباد امروزی آوردند تا در محیط آزادی به پخش نظریات و عقاید خود آغاز کنند. این عده خود را پیروان چرخ بزرگ (مهایانا) یا به عباره دیدگاه وسیع خوانده و پیروان محافظه کار روش تراویدا را بنام (هنایانا) چرخ کوچک با دیدگاه تنگ یاد کردند. در همین آوان بود که معبدی بنام «نگاره ویهاره» در جلال آباد امروزی اعمار شد. میرهن است که نام ولایت ننگرهار از اصطلاح «نگاره ویهاره» ریشه یافته. نگار در لغت معنی محبوب، صنم، نقاشی بر دیوار و نگارخانه آمده است، اما کلمه ویهاره در زبان باختری معنی دروازه، نقطه آغاز و آستان را میدهد، مانند معبد نوبهار بلخ که کلمه بهار همان ویهاره قدیم است. پس نگاره ویهاره آستانی بوده پر از نقش و نگار. از قرار معلوم عقاید شعبه فکری مهاییانا در آریا نه پرورش یافت و توسعه نمود و مذهب هینایا با پیروی از روش تراویدا Threvida بخصوص در جنوب هند در عهد اقتدار خاندان مورایی توسعه یافت.

لیکن آنچه از نگاه تاریخ مستند است اجتماع بزرگ راهبان بودایی در عهد کنیشکا میباشد که در حوالی سال ۱۲۵ میلادی بوقوع پیوست و پیکره های این گردهم آیی بزرگ از معبد بودایی خواجه صفا در همین سالهای اخیر توسط باستان شناسان افغان کشف شد که از زمره مهمترین آثار هنری این آئین است. نیایشگاه خواجه صفا در دامنه کوه شیر دروازه واقع است و چشمه آبی در آنجا وجود دارد تا آب روان در معبد مهیا باشد. این جلسه را راهبان مذهب هنایانا در هند به رسمیت نشناختند. شاید به دلیل اینکه عقاید موجود در جامعه آریانا با کیش بودایی آمیزش یافته بود. به طور مثال ظهور بودیستها و امیترايا Bodhisattva Maitreya یا تجلی بودایی رب النوع نور که همان میتره در فرهنگ آریانا ست در عقاید نخستین دین بودایی وجود نداشت و در آریانه حضور یافت. در کیش مهاییانا عقیده برین بود که قبل از بودا بودا های دیگری وجود داشته که در راه نجات انبای بش، حیوانات و موجودات از مصیبت رنج کوشا بوده و به درجه تابان شدن درونی و همچنان روشن ساختن دیگران رسیده اند. به اساس مکتب فکری مهاییانا اشخاص دیگری نیز بخاطر نکوکاری در آینده به مقام «بودیستها و» شدن و روشنایی و روشنگری خواهند رسید، در حالیکه در مذهب هنایانا دادن لقب «بودیستها و» به دیگری منسوخ بود، زیرا به اساس روش سنتی تراویدا هیچ کسی به جز از بودایی تاریخی «گوتاما بودا» که یکبار به جهان آمد و یکبار از جهان رفت مرجع تقدس و رسیدن به روشنایی درونی گردیده نمیتواند.

بهرحال هر دو مذهب پیروان خود را داشتند. دین بودا از نیپال نشأت کرد و در هند شعبه مذهبی هنایانا تا به سیریلنکا پخش و به همین گونه تا لاوس کمبودیا و برما ویتنام رسید و شعبه اعتقادی مهاییانا از طریق راه ابریشم از آریانا به ختن و چین از آنجا تا به کوریا و جاپان گسترش یافت. البته در هر سرزمینی نظر به سوابق فرهنگی و اعتقادات موجود در جامعه شعبات بیشتر این آئین مانند زن بودیزیم Zen Buddhism در چین و جاپان و مذهب تندای Tendai مروج در تایلند پدید آمد که ذکر هر یک آن خارج از موضوع این بحث است. در همین عصر بود که دین بودایی مکتب مهاییانه از

طریق افغانستان به ایالت سیکیانگ چین یا ترکستان چینی معرفی گشت و از آنجا تا به اقصای چین و شرق دور گسترش یافت.

با عرض ارادت، حامد نوید

گزیده ای از منابع این بررسی:

- Auboyer Jeannine, "The Art of Afghanistan", Printed by Artia, Prague, ۱۹۶۸.
Foucher A. La vieille route de l'Inde de Bactres à Taxila, MDAFA ۱, Paris, ۱۹۴۲-۴۷
Ajahn Sumedho (۲۰۰۲), The Four Noble Truths, Amaravati Publications
Geshe Tashi Tsering (۲۰۰۵), The Four Noble Truths: The Foundation of Buddhist Thought, Volume I (Kindle ed.), Wisdom
Potter, Karl (۲۰۰۴), The Encyclopedia of Indian Philosophies, Vol. IX: Buddhist philosophy from ۳۵۰ to ۶۰۰ AD
Historical Sketch of Buddhism and Islam in Afghanistan by Alexander Berzin
November ۲۰۰۱, revised December ۲۰۰۶
A Concise History of Afghanistan in ۲۵ Volumes
By Hamid Wahed Alikuzai - ۲۰۱۳ p. ۱۱۵
Kashmir History and People by S.R. Bakshi, New Delhi ۱۹۹۷ p. ۷۸
The Mahabharata, Volume ۱ Sanskrit Text with English Translation, M.N. Dutt
Edited by Dr. Ishvar Chandra Sharma & Dr. O.N. Bimali, Parimal Publications, ۲۰۰۴, Delhi
شجاعی، علی رضا، دانش نامه دین (چهار حقیقت شریف)، مجله هفت آسمان، ص ۲۶۶ شماره ۱۵
کاو وی Cao Wei ، ازدولتمردان خانواده Yu Huan نوشته یو هوان Weilüe کتاب ویلو
قرن سوم میلادی (عصر سه امپراتوری چین) ترجمه انگلیسی توسط جان هیل ، سال ۲۰۰۵

د پانو شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ